

گرایش‌های متفاوت نسبت به سایت‌های همسریابی

فرناز سبحانی (کارشناس ارشد علوم اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

farnazssoo@yahoo.com

حسین بهروان (استاد جامعه‌شناسی و مدیر مرکز مطالعات اجتماعی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسندهٔ مسؤول)

behravan@um.ac.ir

محسن نوغانی دخت بهمنی (دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

noghani@um.ac.ir

چکیده

با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی دلایل گرایش و عدم گرایش کاربران به سایت‌های همسریابی بررسی شد. نتایج نشان داد که مهم‌ترین عوامل مرتبط با عضویت افراد در سایت‌های همسریابی عبارتند از: کسب استقلال در انتخاب همسر، بی‌تعهدی جامعه و والدین در انتخاب همسر برای فرزندان خود، مزایای بیشتر سایت‌های همسریابی نسبت به ازدواج‌های سنتی، محدود شدن روابط افراد در کلان‌شهرها، رفع تبعیض جنسی، رفع نیازهای فردی، مشکلات ارتباطی در دنیای واقعی، مطلقه‌بودن، نقص عضو داشتن، بالا رفتن سن، برون‌همسری، رفع تبعیض و پیش‌داوری و در مقابل عواملی چون نگرش‌های منفی نسبت به سایت‌های همسریابی، ضعف نظارت، عدم اطمینان به فضای مجازی، در عدم گرایش به این سایت‌ها اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: سایت‌های همسریابی،^۱ تحلیل محتوای کیفی،^۲ انتخاب عقلانی،^۳ گم‌نامی.^۴

۱. مقدمه

با همه‌گیر شدن اینترنت و هم‌راستا با توسعهٔ روزافزون آن در جامعه، سایت‌های همسریابی از سوی جوانان با اقبال زیادی روبرو شده‌اند. همان‌گونه که طبق آخرین اخبار گزارش شده توسط گلزاری، معاون وزیر ورزش و جوانان، هم‌اکنون ۳۰۰ سایت همسریابی شناسایی شده که نه نیروی انتظامی آن‌ها را قبول

-
- 1 dating websites
 - 2 qualitative content analysis
 - 3 rational choice
 - 4 anonymity

دارد و نه در دولت پذیرفته شده‌اند. او نیز اشاره کرد که در ۳ سال گذشته تعداد سایت‌های همسریابی بین ۱۰۰ تا ۱۲۰ سایت بوده، اما اکنون به رشدی ۳ برابری رسیده‌اند.^۱

این سایت‌ها تعداد زیادی از جوانان در آستانه ازدواج را با تبلیغات زیادی مانند همسر خود را تنها با یک کلیک بیابید جذب کرده‌اند، در حالی که هیچ‌گونه مسئولیتی را در زمینه تخلفات و جرایم صورت-گرفته پذیرا نمی‌باشند. برخی بر این عقیده‌اند که ازدواج از طریق این سایت‌ها، به دلیل مبتنی نبودن بر پایه-های فرهنگی و ارزش‌های جامعه و آشنابودن افراد با یکدیگر و ارزش‌های خانوادگی طرف مقابل، به سرعت فرومی‌پاشد (ریوا و گالیمبرتی، ۲۰۰۱، ص. ۴۸). در این شیوه آشنایی، به دلیل این که مواجهه فیزیکی به وجود نمی‌آید، افراد می‌توانند هویت کاذب برای خود دست و پا کنند و به طرف مقابل اطلاعات غیر واقعی بدهند (ادم، ۲۰۰۳، ص. ۲۱).

نکته مهمی که بیان می‌کنند این است که ارتباط اینترنتی باعث می‌شود که برداشت‌های طرفین از صحبت‌ها درست نباشد، چراکه در این ارتباط حالت چهره و لحن گفت‌وگو منتقل نمی‌شود. بسیاری از جوانان هویت واقعی خود را در چت‌روم‌ها فاش نمی‌کنند و اطلاعاتی که در مورد خودشان می‌دهند اطلاعات درستی نیست. دیده شده حتی دختری خود را پسر و یا پسری خود را دختر معرفی می‌کند و با هم‌جنس خود به نوعی شوخی می‌کند (کینگ و براک، ۲۰۰۱، ص. ۴۴).

آن‌ها آفت دیگر ازدواج‌های مجازی را بی‌توجهی به اختلاف‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فرد و خانواده او می‌دانند. در این‌گونه ارتباط‌ها آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند افکار و ایده‌های طرف مقابل است و اکتفا به این ارتباط باعث عدم شناخت مناسب از اختلاف‌های فرهنگی فرد و خانواده او می‌شود (آندروود و فیندلی، ۲۰۰۴، ص. ۲۷). در برخی از گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس که ۸ آبان ۱۳۹۲ منتشر شده، چنین آمده است که این شیوه همسریابی اگرچه می‌تواند به امکاناتی برای تسهیل ازدواج بدل شود، اما آسیب‌هایی از قبیل عدم آموزش، نظارت ضعیف، ناپایداری ارتباط در محیط مجازی و خلأ مشورت لازم، تهدیداتی را از طرف اینترنت برای ازدواج به وجود آورده است. این گزارش می‌گوید که عمده سایت‌های همسریابی فقط مکان‌هایی برای دوست‌یابی و در برخی موارد متأسفانه روابط نامشروع هستند، ضمن این‌که فقط از خرید و فروش اطلاعات افراد به یکدیگر گاه درآمدهای میلیاردی دارند. در

۱ شناسه خبر: ۲۴۶۱۷۱۶، دیده شد در تاریخ ۱۰/۲۰/۱۳۹۳ <http://www.mehrnews.com/news>

۲ Riva and Galimberti

۳ Adam

۴ King and Barak

۵ Underwood and Findlay

بخشی از این گزارش در این باره چنین آمده است که در برخی موارد بررسی شده که به حکم قضایی پرینت حساب‌ها ارزیابی شد، رقم‌های خیلی سنگین و با تراکنش مالی زیاد و حتی میلیاردری جابه‌جا می‌شد؛ مثلاً تراکنش مالی در یکی از سایت‌ها روزانه حدود ۱۲ میلیون تومان بود.^۱

رییس پلیس فتای استان اصفهان اذعان داشت که پرونده‌های بسیاری در پلیس وجود دارد که بیشتر شاکیان آن را زنان و دختران تشکیل می‌دهد. این مسؤول متذکر شد که از این افراد به بهانه‌های مختلف سوء استفاده و اخاذی شده است، در حالی که برای هیچ سایت اینترنتی همسریابی در کشور هم مجوزی برای فعالیت در این خصوص صادر نشده است.^۲

نکته مهمی که باید به آن اشاره کرد این است که گروهی از افراد با یک رویکرد آسیب‌شناسانه و صرفاً منفی به سایت‌های همسریابی می‌نگرند، در حالی که گروهی دیگر از افراد جنبه نقادانه را کنار گذاشته و تنها با رویکرد صرفاً خوش‌بینانه به این مسأله نگاه می‌کنند؛ بنابراین لزوم بررسی سایت‌های همسریابی و نگرش‌های مثبت و منفی نسبت به این سایت‌ها توأمان با رویکرد عالمانه ضروری است.

دستجردی و عرفان (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتایج دست یافته‌اند که عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی و تکنولوژیکی و دموگرافیک در گرایش افراد به ازدواج‌های اینترنتی مؤثر بوده‌اند که عامل اجتماعی^۳ فرهنگی مؤثرترین عامل و عامل اقتصادی کم‌اهمیت‌ترین عامل شناخته شده است.

باستانی و آخوندان (۱۳۸۸) در مطالعه خود به این نتایج دست یافته‌اند که افرادی که عضو این سایت‌ها می‌شوند برای انتخاب در دنیای واقعی محدودیت‌های اجتماعی دارند.

خطیبی و زکایی (۱۳۸۵) در پژوهش خود بیان کرده‌اند که جوانان به علت موانع و محدودیت‌های موجود در شرایط عینی و ذهنی زندگی خود و در راستای فرار از فشارهای الزام‌آور هنجارهای اجتماعی و در جهت گسترش تعاملات اجتماعی با دیگرانی که امکان برقراری کنش متقابل با آن‌ها در دنیای واقعی بسیار نادر و پرهزینه است، به دنبال کسب تجربه‌های جدید، تأمین نیازهای مغفول‌مانده خود و فرصت‌های بیشتر به فضای مجازی روی می‌آورند.

آوانی مانیر (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتایج دست یافته است که سایت‌های همسریابی زمینه شکست کلیشه‌های اجتماعی و غلبه بر مشکل عدم پذیرش اجتماع و خانواده‌ها را فراهم ساخته‌اند. این

1 www.Taamol news.ir

2 www.90ict.ir

وب‌پورتال‌ها به‌عنوان وسیله‌ای مؤثر در زمینه همسریابی و ازدواج مجدد شهروندان مسن عمل کرده‌اند که در دنیای واقعی از طرف دوستان و خانواده خود طرد شده‌اند.

لوزکبرامزیاس (۲۰۱۳) در مطالعه خود بیان کرده است که سایت‌های همسریابی به دنبال تغییراتی که در زندگی معاصر رخ داده است رواج یافته‌اند و همان‌گونه که جوامع با شتاب تغییر می‌کنند، مردم نیز مسؤولیت‌ها، وظایف و روش‌های پیدا کردن همسر را همتای این تغییرات کرده‌اند. دشواری یافتن شریک مناسب مجردان را تشویق می‌کند که از معانی و مفاهیم سنتی دوری کرده و برای همسریابی به حالت‌های نوین تلاش کنند. همچنین، گرایش افراد به ارتباط‌های عاشقانه باعث رواج آن‌ها شده است.

آرون اسمیت و ماوداگن (۲۰۱۳) در مطالعه خود به این نتایج دست‌یافته‌اند که سایت‌های همسریابی از ریزش افراد جلوگیری می‌کنند؛ زیرا همیشه گزینه‌هایی برای همه مردم در همه زمان‌ها دارند و به افراد اجازه می‌دهند که همسر بهتری برای خود پیدا کنند. همچنین، ۵۴ درصد کاربران آنلاین در پژوهش آن‌ها بیان کرده‌اند که اطلاعات نادرست از خود در پروفایل گذاشته‌اند و ۲۱ درصد نیز بیان کرده‌اند که مردمی که از سایت‌های همسریابی استفاده می‌کنند بیچاره یا ناامید و بسیار بد هستند.

میچال جی روسنفلد و توماس (۲۰۱۲) نیز بیان کرده‌اند که اینترنت به طور فزاینده به آمریکایی‌ها اجازه می‌دهد که با افرادی که هرگز با آن‌ها در زندگی اجتماعی تماس نداشته‌اند و با افراد کاملاً بیگانه ارتباط داشته باشند. همچنین افرادی که شانس کمتری در زندگی واقعی برای همسریابی دارند؛ مانند همجنس-بازان زن و مرد و افراد میانسال و سن بالا شانس خود را در فضای مجازی افزایش داده و نرخ ازدواج آن‌ها بالا می‌رود.

آنشوال رگ (۲۰۰۹) نیز در مطالعه خود بیان کرده‌اند که اگرچه فضای مجازی به ابزاری برای کسب تجربه‌های جدید و عشق فارغ از محدودیت‌های مکانی و زمانی تبدیل شده است؛ اما این صنعت جهانی جرایم سایبری زیادی را ایجاد و خدمات همسریابی زوج‌ها را با مشکل جدی مواجه ساخته است.

آندرس چیتمز، زیلمن، هانس و پیتر (۲۰۱۳)، آندریوفیور (۲۰۰۸)، کاتالیناتوما (۲۰۰۸) در مطالعات خود به بررسی فریب و دروغ در سایت‌های همسریابی پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتایج دست یافته‌اند که همسریابی آنلاین با خطر ابتلا به فریب همراه است که گاهی اوقات این فریب‌ها به صورت عمدی و گاهی با توجه به شرایط خاص فضای مجازی ایجاد شده و باعث شده که افراد حتی اگر فریبی هم به صورت آشکار صورت نگرفته باشد به فضای مجازی بی اعتماد شوند و از ادامه کنش منصرف شوند.

مارک بروکس (۲۰۱۱) نیز در مطالعه خود به این نتیجه دست یافته‌اند که سایت‌های همسریابی اثراتی؛ مانند افزایش ازدواج بین نژادهای مختلف، پذیرش بیشتر همجنس‌بازان و افزایش محدوده انتخاب مجردان را به دنبال داشته است. نگرش منفی نسبت به این سایت‌ها باعث عدم دوام و رواج آن‌ها شده است. اکنون نسبت به گذشته یا این سایت‌ها بهتر و ارزان‌تر می‌توان همسر دلخواه خود را یافت.

آندریانا بلو (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود این‌گونه بیان می‌کند که همسریابی آنلاین جست و جویهای مستقیم را کاهش می‌دهد و به افراد اجازه می‌دهد که گزینه‌های در دسترس را که با اولویتهای آن‌ها مطابقت داشته باشند را سریع‌تر شناسایی کنند و با استقبال بیشتری از نشست‌های سنتی روبرو شده‌اند.

وانگ و لو (۲۰۰۷) نیز دلایل گرایش به این سایت‌ها را بررسی و به این نتایج دست یافته‌اند که گرایش به همسریابی آنلاین را می‌توان ناشی از ویژگی‌های اینترنت از جمله قابلیت دسترسی آسان، خلق موقعیت‌های جدید و گم‌نامی و آزادی ناشی از این گم‌نامی دانست. این آزادی شامل آزادی تحرک و رهایی از تردیدهای اجتماعی در دنیای رودررو است. با وجود مشکلات گوناگون برای کاربران این سایت‌ها، هنوز به این پرسش کمتر پاسخ داده شده که دلایل استفاده روزافزون از این سایت‌ها چیست؟ هدف مقاله پاسخ به پرسش مزبور است.

۲. مبانی نظری

فردگرایی دارای دو بعد مثبت و منفی است. فردگرایی مثبت بارهایی از اجبارهای اجتماعی و شرایط ستم‌گرایانه مرتبط است و فردگرایی منفی به جدایی از دیگران و نبود احساس تعهد متقابل اشاره دارد (واگنر، ۱۹۸۶). همان‌گونه که گیدنز بیان می‌کند در عصر حاضر افراد فرصت‌های بیشتری برای شکل‌دادن به زندگی خویش دارند، درحالی که پیش از این رسم و رسوم نفوذ نیرومندی بر زندگی مردم داشت (گیدنز، ۱۳۸۶، ص. ۲۷۵). هوفستنده نیز معتقد است که در فرهنگ‌های فردگرا، خود فرد و امیال و احساسات او اهمیت بیشتری می‌یابد (هوفستنده، ۱۱۶، ص. ۱۳۸۷). افراد به خاطر رهایی از فشارهای والدین و سنت‌های قدیمی در انتخاب همسر و کسب استقلال و علاقه و از طرف دیگر به علت بی‌تعهدی والدین در انتخاب همسر برای فرزندان خود به عضویت سایت‌های همسریابی گرایش می‌یابند. براساس نظریه انتخاب عقلانی نیز انسان‌ها عقلانی هستند و کنش آن‌ها مبتنی برشناختی است که تحت شرایط خاصی از مؤثرترین وسایل جهت نیل به اهداف خود دارند (والاس و ولف، ۱۹۹۹، ص. ۲۹۴).

همان‌گونه که ترنر بیان می‌کند که انسان‌ها در گزینش مسیرهای رفتاری خود به اشکال زیر به محاسبه عقلانی می‌پردازند. (۱) سود مسیرهای مختلف رفتار با توجه به سلسله مراتب ترجیحات (۲) هزینه‌های هرگزینه برحسب منافع صرف نظر شده (۳) بهترین راه بیشینه‌سازی منافع (کرایب، ۱۳۸۷، ص. ۸۷).

در واقع براساس این تئوری می‌توان این‌گونه استنباط کرد که افراد به دنبال دستیابی به مزایا و سود بیشتری که از طریق ازدواج به واسطه سایت‌های همسریابی نسبت به ازدواج‌های سنتی کسب می‌کنند به عضویت در این سایت‌ها گرایش می‌یابند.

در زمینه بیگانگی در کلان‌شهرها، لویس ورث بیان می‌کند که جدایی‌های فضایی در شهرها باعث سست شدن پیوندهای همسایگی و احساسی می‌شود. بزرگی یک جامعه نیز باعث محدود شدن روابط اجتماعی می‌شود؛ زیرا افراد همدیگر را به خوبی نمی‌شناسند و آشنایی‌های صمیمی کاهش می‌یابد. تماس‌های افراد بریده بریده و سطحی و توأم با گم‌نامی است (تانکیس، ۲۵، ص. ۱۳۹۰). براین اساس می‌توان گفت روابط افراد در کلان‌شهرها باعث می‌شود که در زمینه ازدواج معرف و آشنایی نداشته و عضویت در سایت‌های همسریابی را بهترین روش غلبه بر این مشکل بدانند.

مالهاترا، شولر و بوندر از جمله نظریه‌پردازانی هستند که توانمندسازی زنان را یک فرآیند محسوب می‌کنند؛ یعنی معرف پیشرفت از یک موقعیت نابرابری جنسیتی به برابری جنسیتی می‌دانند (مالهاترا، شولر و بوندر، ۲۰۰۷، ص. ۷). آگومه توانمندسازی را به معنای دستیابی بیشتر زنان به منابع و کنترل بر زندگی خود می‌داند (آگومه، ۲۰۰۱، ص. ۲۳۹). براساس این تئوری می‌توان این‌گونه تحلیل کرد که زنان به دلیل برخورداری از فرصت‌های بیشتر و به دست آوردن حقوق برابر با مردان در انتخاب همسر از طریق سایت‌های همسریابی شانس خود را برای ازدواج افزایش می‌دهند.

براساس نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو، پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح اهمیت می‌یابند (مندوزا، ۱۹۹۵، ص. ۵۶). به طور عادی در جامعه پاره‌ای از نیازهای افراد ارضا می‌شوند و پاره‌ای دیگر ارضاننده باقی می‌مانند (مازلو، ۱۹۹۵، ص. ۹۱). در چهارچوب این تئوری می‌توان این‌گونه دریافت که افراد برای رفع نیازهای مختلفی که در محیط جامعه و خانواده به دلایل مختلف قادر به پاسخ‌گویی آن‌ها نیستند به عضویت سایت‌های همسریابی درمی‌آیند.

همان‌گونه که گیدنز بیان می‌کند مفهوم طرد اجتماعی توجه ما را به طیف وسیعی از عواملی جلب می‌کند که افراد و گروه‌ها را از داشتن فرصت‌هایی که پیش روی اکثریت جمعیت است باز می‌دارد (گیدنز، ۱۳۸۶، ص. ۶۹). می‌توان گفت که گروه‌هایی نظیر افراد سن بالا، مطلقه‌ها، معلولان، سالخوردگان و غیره

فرصت‌های اجتماعی و مقبولیت اندکی در مقایسه با افراد عادی جامعه دارند به فضاهایی که در آن فرصت بیشتری برای همسریابی و همسرگزینی دارند متمایل شوند.

به عقیده کریستفرسون «نمود فیزیکی یک شخص، علامت مهمی در تعاملات اجتماعی است و مردم با افراد دیگر به طور متفاوت بر مبنای جنسیت، نژاد، سن، قومیت و غیره رفتار می‌کنند. با این حال، رفتارهای با واسطه کامپیوتر به عنوان یک فیلتر کاهش دهنده تعداد علائم اجتماعی عمل می‌کند و یک زمین بازی مساوی‌تر برای ارتباط گران خلق می‌کند که بدون این علائم، افراد از طرح‌ریزی کلیشه‌ها برای دیگران ناتوان هستند (کریستفرسون، ۲۰۰۷، ص. ۳۰۴۵). هریسون و استفن بعد مثبت گمنامی را این‌گونه مطرح می‌کنند که ارتباط‌های رایانه‌ای این امکان را برای کاربران فراهم می‌کنند تا کاستی‌های جوامع آفلاین خود (مانند انزوای اعضا، پیش‌داوری‌ها و تعصبات، تحرک اجتماعی منفی و جرائم) را جبران کنند (هریسون و استفن به نقل از لیندلاف و تیلور، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۴). در چهارچوب این تئوری می‌توان گفت که افراد برای رهایی از کلیشه‌ها و تعصبات قومی، نژادی و غیره و به دست آوردن برابری به عضویت سایت‌های همسریابی گرایش می‌یابند؛ چراکه در فضای مجازی در وهله اول به افکار و ایده‌های طرف مقابل توجه می‌شود.

خانواده را از نظر رابطه ازدواجی به برون‌همسری و درون‌همسری تقسیم کرده‌اند. برون‌همسری خانواده‌هایی است که زن و شوهر خویشاوند نیستند و افراد بر مبنای گزینش همسر خارج از گروه اجتماعی اقدام می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص. ۲۹). براساس نظریات برون‌همسری می‌توان گفت که افراد برای گسترش دایره همسرگزینی خود به سایت‌های همسریابی گرایش می‌یابند.

کسانی که در روابط واقعی بین فردی خود مشکل دارند اکنون از این طریق قادر می‌شوند بدون آن‌که چهره خود را برملا کنند و هویت خود را بگویند روابط گسترده‌ای را برقرار کنند (فیروز آبادی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۰).

در چهارچوب این تئوری می‌توان گفت که افرادی که دارای مشکلات ارتباطی در دنیای واقعی هستند و نمی‌توانند با جنس مخالف خود به صورت چهره به چهره کنش داشته باشند سعی می‌کنند که از طریق سایت‌های همسریابی به انتخاب همسر بپردازند.

امیل دورکیم نخستین کسی بود که واژه تصورات اجتماعی را عنوان کرد (هرزلیچ، ۱۹۷۰). سرژ موسکوویچی واژه تصورات را تئوریزه و آن را وارد علوم اجتماعی کرد (موسکوویچی، ۱۹۸۹). او بیان کرد که چیزی که انسان برداشت می‌کند نه یک تصویر ساده که یک تصور است؛ زیرا تصویر سریع و خود

به خودی است، در حالی که تصور فرم و حالتی معنادار است که فاعل با توجه به ویژگی‌های روانی و فرهنگی خود از چیزی می‌سازد (مولو، ۱۹۷۴). تصور اجتماعی می‌تواند کنش انسان را هدایت کرده، موقعیت او را در جامعه و عکس‌العمل انسان را در رابطه با مسایلی که با آن‌ها روبرو می‌شود را مشخص کند (دویس و پالموناری، ۱۹۶۸).

در چهارچوب این تئوری می‌توان گفت که هرچه باورها و افکار جامعه نسبت به عضویت در این سایت‌ها منفی‌تر و حالت تابو داشته باشد افراد کمتر به این سایت‌ها گرایش می‌یابند.

نظریه کنترل یکی از نظریاتی است که انحراف را نتیجه نارسایی کنترل اجتماعی می‌داند (رابرستون، ۱۳۷۲، ص. ۱۷۵). هاردین معتقد است که کنترل اجتماعی متشکل از هنجارها، قوانین و غیره بوده که در مجموع حول یک محور اصلی یعنی سرمایه‌های اجتماعی گرد آمده اند (هاردین، ۱۹۹۷، ص. ۲۰). دورکیم معتقد است که در شرایط اجتماعی مستحکم و پایدار، آرزوهای انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم و محدود شده است. با از هم پاشیدگی هنجارها (بنابراین، از بین رفتن کنترل آرزوها) آنومی پدید می‌آید و چون آرزوهای بی‌حد و حصر نمی‌توانند اشباع شوند، نارضایتی اجتماعی پدید می‌آید که در جریان اقدامات اجتماعی منفی (نظیر خودکشی، اقدامات جنائی و... ظاهر می‌شود (رفیع پور، ۱۳۷۸، ص. ۱۸). نای معتقد است انسان به طور ذاتی کج‌رو است و اگر امیال و آرزوهایش محدود نشود به طور طبیعی ممکن است به انحراف کشیده شود. نای معتقد است که مهم‌ترین عامل رفتار بزهکارانه، ناکافی بودن کنترل اجتماعی است (رئیس، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۱).

براساس این تئوری می‌توان گفت که به دلیل کنترل کمی که بر این سایت‌ها و نیز در فضای این سایت‌ها وجود دارد افراد سودجو به رفتارهایی که با زبان اجتماع است دست می‌زنند و ضعف کنترل در عدم گرایش افراد به سایت‌ها مؤثر است.

از نظر گیدنز نیاز به اعتماد با فاصله‌گیری روابط زمانی و مکانی افراد در ارتباط است؛ به عبارتی دیگر، در مورد کسانی که پیوسته در معرض دیدمان هستند و فعالیت‌هایشان را مستقیماً می‌توان مورد بازنگری قرار داد نیازی به اعتماد نداریم. اعتماد هنگامی ضروری می‌شود که در نتیجه فاصله‌گیری زمانی و مکانی اطلاع کاملی از پدیده‌های اجتماعی نداشته باشیم (ریتزر، ۱۳۷۷، ص. ۷۶۸).

بر این اساس، می‌توان گفت که افراد به این خاطر که از طریق سایت‌های همسریابی در وهله اول طرف مقابل را ندیده و شناخت دقیقی با توجه به ویژگی‌های فضای مجازی از طرف مقابل به دست نمی‌آورند نسبت به سایت‌های همسریابی بی‌اعتماد می‌شوند.

۳. روش تحقیق

به دلیل نوع و ماهیت سؤال، روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد قیاسی انتخاب شد. تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر قیاس که تحلیل محتوای هدایت‌شده نیز نام‌گذاری می‌شود کار خود را با آماده‌سازی اولیه برای تحقیق آغاز می‌کند، اما در مرحله سازماندهی مسیر متفاوتی را در پیش می‌گیرد. دلیل استفاده از این رویکرد در پژوهش حاضر وجود نظریه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون پیرامون موضوع سایت‌های همسریابی است و هدف این پژوهش آزمون و بسط این نظریه‌ها است، البته این به هیچ وجه به معنای کمی بودن پژوهش حاضر نیست؛ زیرا نقش نظریه در اینجا فقط هدایت فرآیند مطالعه به گونه‌ای ساخت‌یافته‌تر است. ملاک کیفی بودن، توجه به محتوا و مضمون پنهان است. افزون بر این داده‌ها براساس استنباط از محتوای کامنت‌های کاربران و نه شمارش واحد معنایی به دست آمده‌اند.

با استخراج مقوله‌های مرتبط از نظریه‌ها و پیشینه‌های تجربی و تعریف عملیاتی مقوله‌ها یادداشت‌های کاربران در دو سایت همسریابی «بهترین همسر» و «دوهمدم»^۱ که پرمخاطب‌ترین سایت‌ها در زمینه ازدواج دائم رمزگذاری شده و هرکدام زیرعنوان مقوله‌های مرتبط به خود قرار گرفتند و سپس نتایج حاصل از فرآیند رمزگذاری تحلیل شد.

اعتبار^۲ تحقیق به صورت نظری و صوری بررسی شد به طوری که نتایج با نظریات سازگاری داشت. پایایی^۳ تحقیق نیز با تکرار کدگذاری با توجه به مقوله‌های گرفته‌شده از نظریه‌ها توسط محقق و دو تن از دوستانش که در حوزه تحلیل محتوا تخصص داشته‌اند بررسی شده است، به طوری که کدگذاری خود را تکرار و با یکدیگر مقایسه کردند و در نهایت، به وحدت نظر و ثبات لازم دست یافتند.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در زمینه دلایل گرایش به سایت‌های همسریابی نشان داد که ۱۲ مقوله در گرایش به سایت‌های همسریابی مؤثر بوده‌اند و در مقابل ۳ مقوله در عدم گرایش به سایت‌ها تأثیرگذار بوده است که یافته‌های مربوط به هر مقوله ارائه می‌شود.

۱ در میان ۵۰۰۰ هزار سایت پربازدید ایرانی به ترتیب رتبه‌های ۲۱۲ و ۳۰۵ را از نظر کلیک خور بالادر سایت الکسا، به خود اختصاص داده‌اند.

2 validity

3 Reliability

۱. کسب استقلال در تصمیم‌گیری

از آنجایی که فشارهای والدین در امر همسرگزینی و وجود برخی از سنت‌های خانوادگی مانند ازدواج‌های فامیلی هنوز هم در بین برخی افراد وجود دارد، افراد برای به دست آوردن استقلال خود و رهایی از این اجبارهای اجتماعی به سایت‌های همسریابی روی می‌آورند. کاربران این موضوع را با تأکیدهای مختلف به شرح زیر بیان کرده‌اند. برخی به خاطر اجتناب از ازدواج فامیلی چنین گفته‌اند: «به علت رهایی از اجبار والدینم با ازدواج با دخترهای فامیل عضو این سایت‌ها شده‌ام و نمیخام ازدواج تحمیلی داشته باشم». برخی دیگر به نقش تصمیم‌گیری خود در ازدواج اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «میخامم تو بزرگترین تصمیم زندگی نقش داشته باشم و همسر دلخواهم و خودم با مشورت، انتخاب کنم». مورد دیگر چنین گفته که «من میخام نیمه گمشده‌ام رو خودم پیدا کنم».

این موارد نظریه فردگرایی را مورد تأکید قرار می‌دهد؛ زیرا جوانان به دلیل رهایی از سنت‌های غلط و دست و پاگیر و داشتن علاقه و شناخت قبلی با طرف مقابل که در ازدواج‌های سنتی کم‌رنگ است به سایت‌های همسریابی گرایش می‌یابند.

۲. بی‌تعهدی در قبال انتخاب همسر برای جوانان

نداشتن بزرگ‌تر و مسؤولی دل‌سوز که به ازدواج جوانان توجه و زمینه‌های لازم را برای آن‌ها به لحاظ فکری و اقتصادی فراهم سازد، از دیگر عوامل مؤثر در گرایش آن‌ها به سایت‌های همسریابی است. جوانانی که خود را تنها و بی‌پشتوانه می‌یابند عضویت در سایت‌های همسریابی را بهترین گزینه برای حل این مشکل می‌دانند. آن‌ها این مطلب را به اشکال مختلفی بیان داشته‌اند برخی به کناره‌گیری والدین اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند که «اصلاً خانواده‌ام دنبال کیس نیستن و برام آستین بالا نمیزنن و میگن ما دخالت نمی‌کنیم که فردا کاسه کوزه‌ها سر ما بشکنه، منم از ناچاری او مدم اینجا عضو شدم». برخی دیگر نیز به بی‌توجهی مسؤولین در زمینه فراهم کردن امکانات اقتصادی اشاره کرده و چنین گفته‌اند. «وقتی کسی به فکر ما جوونها نیست چیکار کنیم؟ بریم کجا؟ دولت هم به فکر ما جوانان بدبخت نیست همه بی پولیم». این موارد نظریه انزوا، بی‌تفاوتی و بی‌تعهدی افراد جامعه را در قبال یکدیگر نشان می‌دهد که با نظریات فردگرایی منفی هم‌سویی دارد.

۳. کسب مزایای بیشتر نسبت به ازدواج‌های سنتی

کاربران به مزایای مختلفی اشاره کرده‌اند که ازدواج‌های سنتی فاقد این مزایا است و زمینه گرایش آن‌ها به سایت‌های همسریابی را فراهم ساخته است. برخی از آن‌ها به مزایای این سایت‌ها به لحاظ زمانی و مالی اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «سایت‌های همسریابی نسبت به خواستگاری‌های سنتی هزینه و زمان کمتری می‌طلبد».

فرض کنید شما می‌خواهید به خواستگاری ۱۰ نفر بروید چقدر پول باید صرف خرید گل و شیرینی شود و چقدر باید وقت بگذارید که آیا به نتیجه برسد یا نرسد. یا برعکس اگر بخواهید خواستگار را در منزل پذیرا باشد نیز باید کلی وقت بگذارید و چقدر خرج خرید میوه و غیره می‌شود. در این جا فقط حق عضویت می‌پردازید و سرعت اینترنت هم که بالاست». برخی دیگر از کاربران حیطة انتخاب وسیع‌تر در سایت‌های همسریابی را مطرح کرده و گفته‌اند: «حیطة انتخاب در سایت‌های همسریابی نسبت به ازدواج‌های سنتی وسیع‌تر است و شانس ازدواجمان افزایش می‌یابد». مورد دیگر نیز این مطلب را با تنوع افراد در سایت‌های همسریابی با توجه به معیارهای هر فرد بیان کرده و چنین گفته است که «تنوع کاربران سایت‌های همسریابی سبب می‌شود که نسبت به انتخاب‌های سنتی متناسب با معیارهای هر فرد مورد مناسب وجود داشته باشد».

دیگران نیز به ایده‌آل‌گرایی و انتخاب بهترین همسر از طریق این سایت‌ها اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «با ثبت نام در این سایت‌ها می‌توانیم با افرادی تحصیل کرده و با شرایط عالی ازدواج کنیم که این امکان در دنیای واقعی بسیار اندک است». مورد دیگر نیز گفته: «وقتی میتونم با عضویت در این سایت‌ها بهترین‌ها رو گلچین کنم چرا سنتی ازدواج کنم؟».

تمامی موارد فوق بر نظریه انتخاب عقلانی تأکید می‌کند و در راستای نظریات ترنر است؛ چراکه افراد در ازدواج خود از میان تمامی گزینه‌ها، بهترین مورد را انتخاب و راه‌های مختلف را سبک سنگین می‌کنند.

۴. محدود شدن روابط در کلان‌شهرها

در کلان‌شهرها به دلیل نوع زندگی و شرایط کاری، حاکم شدن فرهنگ آپارتمان‌نشینی، افراد به‌ندرت یک‌دیگر را می‌شناسند. روابط افراد سطحی بوده و حتی با اقوام و خویشان خود رابطه کمی دارند. در نتیجه، سایت‌های همسریابی می‌تواند به افراد در این زمینه کمک کند و افراد حتی در محل کار خود نیز می‌توانند از طریق اینترنت با طرف مقابل گفت و گو کنند و آشنا شوند؛ بنابراین به زمان و وقت کمتری نیاز دارد.

کاربران به اشکال مختلف این موضوع را بیان کرده‌اند. برخی از آن‌ها به دلایل وضعیتی در کمرنگ شدن روابط با خود با دیگران اشاره داشته و چنین گفته‌اند: «من که شب تا صبح و روز تا شب واسه کنکور پی‌اچ‌دی می‌خونم و با کسی رفت و آمد ندارم چطوری شوهر پیدا کنم؟». مورد دیگر نیز به شرایط کاری و نوع کمبود وقت برای معاشرت با دیگران اشاره کرده و چنین گفته است که «من که به دلیل شرایط کاری و نوع زندگی صبح تا شب سرکارم و کسی رو نمی‌شناسم باید چطور همسر پیدا کنم». دیگری نیز به کمرنگ شدن ارتباطات سنتی در جامعه امروزی و راهگشا بودن روش‌های نوین در همسریابی اشاره داشته و گفته:

«باتوجه به این که ارتباط‌های سنتی خیلی ضعیف شده و ممکنه کسی در همسایگی ما واجد شرایط ما باشه؛ ولی شناسیم خوب اینترنت خیلی راهگشا است».

دیگران به نداشتن معرف در امر همسرگزینی اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «مگه آدم تو شهرهای بزرگ چقد دوست و آشنا داره، چقد سخت میگیرین اجازه بدین جوان‌ها با یکدیگر آشنا بشن». مورد دیگر هم به نداشتن معرف با تکیه بر معیارهای خاص اشاره کرده و گفته است که «فرضاً آقای مایل است که همسرش دندان‌پزشک باشد و خودش هم معرفی برای آشنایی ندارد بهترین روش کمک جستن از همین بنگاه‌ها است».

تمامی موارد فوق به گونه‌های مختلف به نظریات لویس ورث در زمینه سطحی و گذرا شدن روابط افراد در کلان‌شهرها در میان انبوه جمعیت اشاره می‌کند.

۵. رفع تبعیض جنسی

زنان برای به دست آوردن حق انتخاب برابر با مردان در انتخاب همسر که در دنیای واقعی به دلیل عرف جامعه از آن محروم هستند به عضویت سایت‌های همسریابی گرایش می‌یابند. این مقوله به شکل‌های مختلف در کامنت‌های کاربران وجود دارد. برخی به فرهنگ ایرانی اشاره کرده و آن را نادرست و مانع ازدواج دانسته و چنین گفته‌اند: «مایل نیستم دغدغه یک فرهنگ بسته را داشته باشم و منتظر بمانم تا مرد آرزوهایم با اسب سفید بیاید وقتی که می‌توانم در این سایت‌ها با ده‌ها پیشنهاد از طرف افرادی با تحصیلات و شرایط عالی روبه‌رو شوم». برخی دیگر نیز به اعتقادات اسلامی اشاره کرده‌اند که از حق خود با عضویت در این سایت‌ها دفاع کنند و گفته‌اند که «مگه ازدواج حق دوطرف نیست یعنی دختر باید بمونه تا یکی بیاد براش کجای دین گفته که حق طبیعی یه دختر ازش بگیرن». دیگران نیز این موضوع را در قالب ظلمی که به دختران در ایران می‌شود بیان کرده و گفته‌اند: «ما دختری حق انتخاب نداریم تو ایران و باید منتظر بمونیم تا انتخاب بشیم و یه جورایی ظلمه».

دیگران به سایت‌های همسریابی به عنوان فرصتی خاص برای ازدواج دختران اشاره کرده‌اند و این‌گونه بیان کرده‌اند که «اومدم تو این سایت‌ها که انتخاب کنم نه این که انتخاب بشم و منتظر بمونم که آیا خواستگار بیاد یا نیاد». برخی نیز این موضوع را به شکل بالا رفتن سن دختران، افسردگی آن‌ها و ازدست‌دادن فرصت‌های ازدواج آن‌ها بیان کرده و چنین گفته‌اند: «همین کارو میکنین که دختری تو خونه میمون و شوهر گیرشون نمیاد و سنشون میره بالا و افسرده میشن بزارین تو این سایت‌ها انتخاب کنن و شانسشون برای ازدواج امتحان کنن».

همان‌گونه که دیده می‌شود کاربران خواستار رفع این تبعیض از طریق فضای مجازی و در معرض انتخاب قرار گرفتن دختران توسط پسران شده‌اند. چیزی که در دنیای واقعی به دلیل اعتقادات و فرهنگ و عرف ایرانی قادر به پذیرش آن نبوده‌اند را در دنیای مجازی می‌جویند. در مواردی دیده شده است که کاربران این مطلب را به شکل تمسخرآمیزی بیان کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «حالا یک راهی هم پیدا شد که دختران تورشیده شوهر گیرشون بیاد میخان جلوشو بگیرن». که این خود حاکی از این موضوع است که هنوز این شکل همسرگزینی و همسریابی از جانب افراد با دید منفی نگریسته می‌شود.

۶. رفع نیازهای فردی

افراد سایت‌های همسریابی را مکانی برای رفع نیازهای مختلف جنسی، عاطفی، نیاز به تفریح و سرگرمی می‌دانند. این نیازها که زمینه‌ساز گرایش افراد به سایت‌های همسریابی می‌شوند در گفته‌های کاربران به گونه‌های متفاوتی بیان می‌شوند. برخی نیازهای جنسی آقایان را انگیزه اصلی عضویت در این سایت‌ها دانسته و چنین گفته‌اند: «پسرا تو این سایت‌ها فقط به دنبال سکس هستن و صیغه». دیگری نیز گفته: «تو این سایت‌ها پسرا شارژ میدن و سکس تلفنی و چیزای دیگه دریافت میکنن». برخی دیگر هم به نیازهای عاطفی و نداشتن همدم اشاره کرده و گفته‌اند: «کسایی تو این سایت‌ها عضو میشن خیلی تنهان و کمبود محبت دارن». مورد دیگر نیز چنین گفته: «تنهایی خیلی بده وقتی کسی رو واسه درد دل نداشته باشی پناه میاری به سایت‌های همسریابی». دیگران هم به نیاز به تفریح و ارتباط با جنس مخالف را ذکر کرده و گفته‌اند: «سایت‌های همسریابی به تفریح و سرگرمی بزرگ برای آقایون تبدی شدن و به این نیت عضو میشن که با افراد مختلف خوش بگذرونن».

تمامی موارد فوق نمودی از نظریه نیازهای مازلو است که افراد با عضویت در سایت‌های همسریابی نیازهای مختلف خود را که در جامعه بدون پاسخ مانده‌اند جواب می‌دهند.

۷. مشکلات ارتباطی

افرادی که دارای مشکلات ارتباطی در دنیای واقعی هستند و نمی‌توانند با جنس مخالف خود به صورت چهره به چهره کنش داشته باشند، سعی می‌کنند که از طریق سایت‌های همسریابی به انتخاب همسر بپردازند. کاربران این موضوع را به گونه‌های متفاوتی به شرح زیر بیان کرده‌اند. برخی از آن‌ها به کم‌رویی اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند که «ازدواج اینترنتی راهی است برای ازدواج دختر و پسرهای نجالتی». دیگری نیز گفته «فقط در موارد خاص که طرف نتونه با جنس مخالف به راحتی رو در رو حرف بزنه میتونه خیلی راهگشا باشه». مورد دیگری هم به این شکل این مطلب را بیان کرده که «هر وقت میرم

خواستگاری اونقد هل میشم که خیلی چیزها یادم میره از خجالت ولی اینجا میتونم معیارهامو با خیال راحت با طرف بسنجم بدون اینکه کسی متوجه بشه من هل شدم». برخی دیگر کمبود اعتماد به نفس را زمینه‌ساز گرایش افراد به سایت‌های همسریابی دانسته‌اند و چنین گفته‌اند: «چون تو دنیای واقعی اونقد اعتماد به نفس ندارم که پا پیش بزارم اومدم تو این سایت‌ها عضو شدم چون به راحتی حرفامو بزنم».

۸. مطلقه‌بودن

افراد مطلقه از شرایط و فرصت‌های اجتماعی مساوی با دیگران در دنیای واقعی برخوردار نبوده و از طرف دیگران طرد شده‌اند. آن‌ها از یافتن همسر در دنیای واقعی دلسرد می‌شوند و سعی می‌کنند که از طریق عضویت در سایت‌های همسریابی شانس خود را در زمینه ازدواج با افرادی مشابه خود افزایش دهند. آن‌ها اعتقاد دارند که در سایت‌های همسریابی به دلیل تنوع و تعدد کاربران می‌توانند به مواردی دست یابند که متناسب با شرایط آن‌ها باشد. برخی از آن‌ها به عدم جایگاه یک زن مطلقه در دنیای واقعی اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «من که از شوهرم جدا شدم و مطلقه هستم در جامعه جایی ندارم چطور شوهر پیدا کنم؟». برخی دیگر نیز سایت‌ها را تنها برای افراد مطلقه مناسب دانسته و گفته‌اند «این سایت‌ها برای خانم‌ها یا آقایون مطلقه خوبه نه افراد مجرد». دیگری به نگاه منفی جامعه به افراد مطلقه اشاره کرده و عضویت در این سایت‌ها را نوعی اجبار دانسته و گفته‌اند: «وقتی به دختری متارکه کرده باشه براش عیب، ایراده مجبوره بیاد تو این سایت‌ها». تمامی موارد فوق در راستای نظریه پردشدگی گیدنز و نداشتن فرصت‌های برابر با دیگران در انتخاب همسر است.

۹. نقص عضو داشتن

افراد معلول در دنیای واقعی در زمینه همسریابی با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند و یافتن مورد مناسب با توجه به وضعیتی که دارند بسیار دشوار است، ولی در سایت‌های همسریابی به دلیل تعدد کاربران این مشکل تا حدودی آسان‌تر می‌شود و حیطه انتخاب آن‌ها وسیع‌تر می‌شود؛ به عنوان مثال آن‌ها چنین گفته‌اند «من یه پام معلوله، اومدم تو این سایت کسی مثل خودم پیدا کنم که سالم نباشه». این مورد نیز پردشدگی را بیان می‌کند.

۱۰. بالارفتن سن

بالارفتن سن مخصوصاً برای دختران در گرایش آن‌ها به سایت‌های همسریابی مؤثر بوده است که این مقوله با مقوله به‌دست آوردن حق انتخاب و رفع تبعیض جنسیتی ارتباط تنگاتنگی دارد. این موضوع به شکل‌های مختلف در نظرات کاربران وجود دارد. برخی از آن‌ها به فشاری که از جانب دیگران به خاطر

بالارفتن سن خود متحمل می‌شوند، اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «لان دقیقاً ۳۰ ساله تا حالا به خاطر سنم از چندین نفر متلک شنیدم و توی خونه با ترحم باهام رفتار میکنند. اومدم تو این سایت تا آخرین شانس خودمو امتحان کنم».

برخی دیگر نیز بالارفتن سن دختران را به شکل تمسخرآمیزی هشدار داده و چنین گفته‌اند: «حالا یک راهی هم پیدا شد که دختران ترشیده شوهرگیرشون بیاد میخان جلو شو بگیرن». این موارد نیز به نظریه پردشدگی اجتماعی و عدم پذیرش از سوی دیگران اشاره می‌کند.

۱۱. گرایش به برون‌همسری

اینترنت امکان انتخاب افرادی از اقسا نقاط ایران را برای کاربران رقم می‌زند. این موضوع به انتخاب فارغ از محدودیت‌های مکانی و نیز خارج از دایره محدود خویشاوندی اشاره دارد. کاربران این موضوع را به اشکال مختلفی بیان کرده‌اند. برخی از آن‌ها به نامناسب بودن افراد فامیل برای ازدواج اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «بین پسرای فامیل که پسر به درد بخور پیدا نمیشه اومدم اینجا که بتونم همسر پیدا کنم». برخی دیگر نیز به تنفر از ازدواج فامیلی اشاره کرده‌اند و چنین گفته‌اند: «اومدم تو این سایت‌ها چون از ازدواج فامیلی متنفرم». برخی نیز به حیطة محدود اقوام اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «اگه از بین چند تا اقوام و فامیل کمی که داریم کسی رو نپسندیم تکلیف چیه؟». برخی نیز به علاقه به انتخاب همسر خارج از شهر و محل سکونت خود اشاره داشته‌اند و چنین گفته‌اند: «میخام با کسی ازدواج کنم که هم‌شهریم نباشه تو این سایت‌ها میتونم کسی رو خارج از محل سکونت خودم پیدا کنم». این موارد همگی نظریه برون‌همسری و انتخاب همسر خارج از گروه خویشاوندی و محدوده سکونت فرد را مورد تأکید قرار می‌دهد.

۱۲. رفع تبعیض، پیش‌داوری و تعصب‌های شخصی

گم‌نامی موجود در فضای مجازی همیشه منفی نیست. گم‌نامی به افراد فرصت می‌دهد که بدون توجه به پیش‌داوری و تعصبات شخصی در زمینه ازدواج تصمیم بگیرند. کاربران به اشکال متفاوت این موضوع را بیان کرده‌اند برخی بی‌توجهی به قومیت و نژاد را مطرح کرده و چنین گفته‌اند: «این سایت‌ها به این خاطر که با همه بدون قضاوت قبلی براساس قومیت و نژاد رفتار میکنند خیلی خوبه». برخی دیگر به بی‌توجهی به ظواهر مادی اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «چون تو این سایت‌ها به افکارم بها میدن نه مادیات و ظواهر که تو خواستگاری سنتی در مرحله اول به چشم همه میاد اومدم اینجا». برخی نیز به برابری که از طریق عضویت در این سایت‌ها به دست می‌آورند اشاره کرده و گفته‌اند که «همه با هرنوع اوضاع مادی،

فیزیکی، قومیت و نژادی میتونن ثبت نام کنن و شانس خودشونو امتحان کنن». دیگران نیز از بین رفتن معیارهای بی‌اهمیت در این سایت‌ها نسبت به خواستگاری‌های سنتی را یادآور شده و چنین ابراز داشته‌اند که «به دلیل گم‌نامی که تو این فضاها نسبت به ازدواج‌های سنتی وجود داره معیارهای بی‌اهمیت ظاهری از بین میرن». مورد دیگر نیز چنین گفته: «کسانی که ممکنه تو دنیای واقعی با یکی دو برخورد اولیه از هم بدشون بیاد تو فضای مجازی به دلیل گم‌نامی و بی‌نامی میتونن راحت‌تر به چیزهای مهم‌تر فکر کنن و به تفاهم برسن».

موارد ذکر شده در راستای نظریه‌های کریسترفرسون، هریسون و استفن است که بعد مثبت گم‌نامی را در فضای مجازی از بین رفتن کلیشه‌ها و تعصب‌های مختلف و کسب برابری می‌دانند.

۱۳. نگرش‌های منفی نسبت به سایت‌های همسریابی

تصورات و نگرش‌های اجتماعی منفی نسبت به سایت‌های همسریابی زمینه‌ساز عدم گرایش افراد به این سایت‌ها می‌شود. این نگرش‌ها با تأکیدهای متفاوتی در بین کاربران وجود دارد. برخی از آن‌ها به عدم پذیرش فرهنگی اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «دختر و پسری که تو فضای مجازی با هم آشنابشن و ازدواج کنن به درد لای جزر دیوار میخورن». برخی دیگر به مخالفت خانواده و نسل بعدی اشاره کرده و چنین گفته‌اند: «فردای روز باید به خانواده‌ها بگین کجا آشناشدین؟ به بچه‌هاتون چی میگین؟». برخی دیگر این سایت‌ها را مغایر با ملیت و غیرت مرد ایرانی دانسته و چنین گفته‌اند: «ما ایرانی از نژاد آریایی هستیم این سایت‌ها غریبه و غیرت مرد ایرانی بهش اجازه چنین انتخابی رو نمیده». دیگران نیز انتخاب همسر به این شکل را تابو و چیزی عجیب دانسته‌اند و گفته‌اند: «آدم همسرشو تو فضای مجازی پیدا کنه جلال الخالق». برخی دیگر بر این عقیده‌اند که این سایت‌ها زمینه‌ساز رشد فساد است و چنین گفته‌اند که «سایت‌ها زمینه‌ساز دیگری برای فساد در جامعه است». دیگری نیز گفته: «این سایت‌ها فقط برای اغفال زنان و دختران طراحی شده‌اند». دیگران بر این عقیده‌اند که کاربران این سایت‌ها افرادی خاص و مشکل‌دار بوده و این‌گونه گفته‌اند: «هرکی میاد تو این سایت‌ها به ریگی تو کفشش داره واقعاً کسی که همه معیارهای خوب داشته باشه به این سایت‌ها نیازی نداره». مورد دیگر به ناپاکی دختران اشاره و چنین گفته: «دختران نجیب و مؤمنه زود ازدواج می‌کنند و نیازی به این سایت‌ها ندارند و این سایت‌ها جایگاه دختران ناپاک است». مورد دیگر هم به نداشتن جایگاه خانوادگی مناسب و ضعف ایمان اشاره و گفته است: «کسی که خانواده درستی داشته باشه و به خدا ایمان داشته باشه و واسه خودش ارزش قائل باشه هیچ وقت دنبال این سایت-

ها نمیره». موارد ذکر شده نظریه‌های دورکیم و سرژ موسکویچی را در زمینه تصورات اجتماعی ناشی از باورها و افکار معنی‌دار در جامعه را یادآور می‌شوند.

۱۴. ضعف نظارت

کاربران بر این عقیده‌اند که ضعف نظارت در سایت‌های همسریابی از نواقص بزرگ این سایت‌ها است که زمینه را برای ارتکاب جرم فراهم می‌سازد. آن‌ها به اشکال گوناگون به این موضوع در یادداشت‌های خود اشاره کرده‌اند. برخی از کاربران به سوءاستفاده‌های گوناگون مالی اشاره و چنین گفته‌اند: «متأسفانه سایت‌های این چنینی مرکز فروش اس ام اس هستند تا ترویج صحیح ازدواج». برخی دیگر هم کلاه‌برداری‌های مدیران سایت‌ها را یادآور شده و چنین گفته‌اند: «مدیران تنها به فکر جیب خودشان هستند که برای عضویت چقد دریافت کنن بدون هیچ‌گونه نظارتی». دیگران به سوءاستفاده‌های عاطفی اشاره و گفته‌اند: «تو این سایت‌ها راحت با احساسات دختران بازی شده و از آن‌ها اخاذی می‌شود». دیگری هم به سوءاستفاده جنسی اشاره و گفته: «خیلی راحت پیشنهاد سکس و صیغه داده می‌شود و از افراد سوءاستفاده می‌شود». برخی دیگر هم به شیوه‌ای دیگر به همین مضمون اشاره کرده‌اند و غیرقانونی بودن سایت‌ها و بازبودن زمینه جرم را مطرح کرده‌اند و گفته‌اند: «هیچ کدام مجوز قانونی ندارند و از افراد هیچ مدرکی به عنوان ضمانت نمیگیرن و فضا برای فریب باز است». برخی دیگر هم نظارت دولت را ضروری دانسته و گفته‌اند: «این سایت‌ها اصلاً خوب نیستند تا زمانی که دولت هیچ‌گونه اقدام و نظارتی نکند». برخی نیز به دلیل ضعف نظارت خواستار حذف این سایت‌ها شده و گفته‌اند: «وقتی هیچ نظارتی تو این سایت‌ها نیست حذف بشه بهتره».

موارد فوق به خوبی مؤید نظریه کنترل اجتماعی دورکیم است؛ چراکه در شرایط ضعف کنترل زمینه ارتکاب جرم فراهم و زمینه عدم استقبال افراد را از سایت‌های همسریابی فراهم می‌سازد.

۱۵. عدم اطمینان به فضای مجازی

فضای مجازی به دلیل ویژگی‌هایی همچون ناشناس ماندن، آزادی‌های ناشی از گم‌نامی، زمینه بی-اعتمادی افراد را فراهم ساخته و این موضوع باعث عدم گرایش آن‌ها به این فضا می‌شود. کاربران با تأکیدهای متفاوتی به شرح زیر به این موضوع اشاره کرده‌اند. برخی از آن‌ها دروغ و هویت‌های ساختگی در فضای مجازی را ابراز و چنین گفته‌اند که «تو این سایت‌ها همه میتونن به راحتی واسه خودشون هویت‌های دروغین دست و پا کنند». برخی دیگر به عدم شناخت تو فضای مجازی اشاره کرده و گفته‌اند: «همیشه تو دنیای مجازی به کسی اعتماد کرد و کسی رو شناخت». برخی خیانت در فضای مجازی را

مطرح کرده‌اند و این‌گونه آن را ابراز کرده‌اند: «کسی رو که دیدیش و چند سال باهاش رفتار کردی بهت نارو میزنه و دروغ میگه دیگه وای به حال این اینترنتیا». برخی دیگر هم خیانت در فضای مجازی را با اشاره به مناسب بودن سنت بیان کرده و گفته‌اند: «زنی رو که تو خیابون پیدا کنی تو همون خیابون هم از دستش میدی چه برسه به فضای مجازی که همش دروغه و پوشالیه .سنت چیز بدی نیست». برخی هم به نامناسب بودن فضای مجازی برای همسریابی اشاره و گفته‌اند: «دنیا جایی که میشه توش نفس کشید عاشق شد حتی شکست عشقی خورد ولی توی دنیای مجازی نمیشه نفس کشید چه برسه به این که توش عاشق بشی». مورد دیگری گفته: «مگه زن جایزه لوپ لوپه که بشه تو فضای مجازی پیدااش کرد؟». برخی هم هراس از فضای مجازی را به این شکل بیان کرده‌اند: «گرگ باشی تو این فضا بهتره تا بره باشی و خورده بشی». دیگری هم گفته: «سایت‌های همسریابی جنگل مجازیه نه فضای مجازی مخصوصاً برای دختر خانم‌ها». موارد ذکر شده نظریه گیدنز را در زمینه شکل جدید بی‌اعتمادی در دنیای مدرن مورد تأکید قرار می‌دهد؛ چراکه در فضای مجازی افراد در وهله اول کنش و چهره و سایر خصوصیات یکدیگر را ندیده و اعتماد کردن دشوار است.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر در زمینه حیطه انتخاب وسیع‌تر و صرف‌جویی زمانی که باعث استقبال افراد از همسریابی می‌شود با یافته‌های مارک بروکس (۲۰۱۱) هم‌سوئی دارد. این موضوع در راستای نظریه‌های ترنر که به انتخاب بهترین راه پیشینه‌سازی منافع اشاره می‌کند است.

یافته‌ها در زمینه افزایش فرصت‌های ازدواج و گرایش به سایت‌های همسریابی یا یافته‌های خطیبی و زکایی (۱۳۸۵) هم‌سوئی دارد. این مطلب حاکی از این موضوع است که تنوع و تعدد گزینه‌ها در سایت‌های همسریابی نسبت به دنیای واقعی بیشتر است و متناسب با معیارهای هر فرد کاربر دارد. این یکی از نقاط قوت سایت‌های همسریابی است که باعث گرایش افراد به این سایت‌ها شده است. یافته‌ها در زمینه تغییرات زندگی و روابط در کلان‌شهرها که زمینه گرایش افراد را به سایت‌های همسریابی فراهم ساخته است با یافته‌های پژوهش لوزکبرامزیاس (۲۰۱۳) هم‌خوانی دارد. یافته‌ها همچنین در زمینه دشواری یافتن شریک مناسب برای مجردان مخصوصاً دختران و گرایش آن‌ها به این سایت‌ها با یافته‌های لوزکبرامزیاس (۲۰۱۳) هم‌سوئی دارد. دختران برای به دست آوردن حقوق برابر با مردان از معانی و مفاهیم سنتی و عرف جامعه دوری کرده و برای همسریابی به شیوه جدید تلاش می‌کنند.

یافته‌ها در زمینه رفع نیازهای ارضاننده و گرایش به سایت‌ها با یافته‌های پژوهش خطیبی و زکایی (۱۳۸۵) هم‌خوانی دارد. یافته‌ها در زمینه‌ی پردشدگی اجتماعی و نداشتن فرصت‌های برابر با دیگران در دنیای واقعی و گرایش به سایت‌های همسریابی با یافته‌های باستانی و آخوندان (۱۳۸۸)، آوانی مانیر (۲۰۱۳)، آرون اسمیت و ماوداگن (۲۰۱۳)، میچال جی روسنفلد و دیگران (۲۰۱۲) هم‌سویی دارد. پژوهش حاضر نشان داد که سایت‌های همسریابی در وهله‌ی اول برای کسانی که از فرصت‌های برابری با سایرین برخوردار نیستند مناسب‌تر است و افراد خود در سراسر جهان هنوز هم به این موضوع باور دارند که سایت‌های همسریابی مناسب افراد مشکل‌دار هستند. همان‌گونه که گیدنز نیز به پردشدگی اجتماعی اشاره می‌کند. یافته‌ها در زمینه‌ی ازدواج با افراد غیر خودی و گرایش به سایت‌ها با یافته‌های مارک بروکس (۲۰۱۱) هم‌سویی دارد. این یکی دیگر از مزایای سایت‌های همسریابی است که قدرت انتخاب افراد را افزایش می‌دهد. یافته‌ها در زمینه‌ی رفع محدودیت‌های مکانی و زمانی در انتخاب همسر با یافته‌های آنشوال رگ (۲۰۰۹) هم‌خوانی دارد که این نیز یکی از دیگر مزایای سایت‌های همسریابی است.

یافته‌ها در زمینه‌ی آزادی ناشی از گم‌نامی در فضای مجازی با یافته‌های پژوهش وانگ و لو (۲۰۰۷) هم‌سویی دارد. در فضای مجازی همه‌ی افراد با هر نوع شرایط و قومیت و نژاد و به دور از کلیشه‌های اجتماعی می‌توانند شانس خود را برای ازدواج بیازمایند و در نتیجه این نیز یکی از جنبه‌های مثبت این سایت‌ها است.

یافته‌ها در زمینه‌ی نگرش‌های منفی نسبت به سایت‌ها و عدم گرایش به آن‌ها با یافته‌های مارک بروکس (۲۰۱۱) هم‌خوانی دارد. نگرش‌های منفی نسبت به سایت‌های همسریابی بیشتر به عدم پذیرش فرهنگ ایرانی ما باز می‌گردد. آسیب‌های ناشی از این فضاها نیز در زمینه‌ی پررنگ شدن این نگرش‌ها تأثیر بسزایی داشته است.

یافته‌ها در زمینه‌ی فریب و دروغ و بی‌اعتمادی به فضای مجازی با یافته‌های آندرس چیتمز (۲۰۱۳)، آندرفیور (۲۰۰۸)، کاتالیناوما (۲۰۰۸) نیز هم‌سویی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که افراد هنوز هم نمی‌توانند به فضای مجازی اعتماد کنند و این فضا را برای همسریابی مناسب نمی‌دانند. همسریابی آنلاین با خطر ابتلا به فریب همراه است.

می‌توان گفت که این پژوهش نشان داد که اگرچه سایت‌های همسریابی غیرقانونی بوده و مجوزی در خصوص فعالیت ندارند، ولی استقبال چشم‌گیر کاربران از این سایت‌ها به دلیل کارکردهایی است که این سایت‌ها برای افراد دارند. از یک طرف در جامعه خلأهایی وجود دارد که در موارد بسیاری زمینه‌ساز

گرایش افراد به سایت‌ها شده و از طرف دیگر هم‌گام با توسعه جوامع، جهانی‌شدن و سبک‌های جدید زندگی، وجود چنین سایت‌هایی برای همسرگزینی رفته رفته پررنگ‌تر شده و باید در این زمینه مدیریت صحیح و فرهنگ‌سازی مناسبی از طرف مسئولان صورت پذیرد تا آسیب‌های این نوع ازدواج‌ها به حداقل رسیده و بازدهی مناسبی داشته باشند. افزون بر این آموزش مستمر و مداوم والدین از طریق رسانه‌های عمومی و فراهم آوردن بستر اقتصادی مناسب برای ازدواج جوانان در دستور کار قرار گیرد. طراحی برنامه‌های آموزشی برای بیان تجارب افراد آسیب‌دیده و قربانیان سایت‌های همسریابی در کنار نظارت دقیق مراکز و ارگان‌های دولتی مربوطه به منظور جلوگیری از تخلف در این سایت‌ها می‌تواند در کاهش آسیب‌های آن مؤثر واقع شود. ضمن این‌که می‌توان سایت‌های همسریابی متناسب با فرهنگ ایرانی و اسلامی طراحی کرد و دست از تقلید از سایت‌های غربی برداشت. توجه به این امر که سایت‌های همسریابی به تنهایی نتیجه مطلوبی نداشته و باید به‌عنوان یک مقدمه و زمینه‌آشنایی به آن‌ها نگریسته شود و بر نقش خانواده و مشاوره در کنار آن‌ها تأکید شود. به‌علاقه و استقلال افراد در انتخاب همسر توجه و از ازدواج‌های تحمیلی اجتناب شود. از نگاه صرفاً بدبینانه نسبت به سایت‌های همسریابی دوری کرده و با تأکید بر جنبه‌های مثبت آن در جهت بهبود جوانب منفی تلاش شود.

کتاب‌نامه

۱. آخوندان، ز، باستانی، س. (۱۳۹۰). همسریابی اینترنتی. نشریه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، (۱۷)، ۲۳-۳۴.
۲. برات دستجردی، ن، عرفان، آ. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان (بارویکرد آسیب‌شناسانه به ازدواج اینترنتی). نشریه مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۲ (۲)، ۸۲-۶۶.
۳. خطیبی، ف، زکایی، م. س. (۱۳۸۵). رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن (پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوانان ایرانی). نشریه علوم اجتماعی، (۳۳)، ۱۱۱-۱۵۴.
۴. رابرتسون، ی. (۱۳۷۲). درآمدی بر جامعه با تأکید بر نظریه‌های کارکردگرایی. ستیز و کنش متقابل نمادی. (ح. بهروان، مترجم). مشهد: آستان قدس رضوی.
۵. رئیس، ج. (۱۳۸۲). جوانان و ناهنجاری‌های رفتاری. نشریه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، (۲۱)، ۱۵۸-۱۳۵.
۶. فیروزآبادی، ع. (۱۳۸۲). پیامدهای اعتیاد مدرن وابستگی به اینترنت. نشریه گزارش، (۱۴۷)، ۱۱۰-۱۰۰.
۷. کرایب، ی. (۱۳۷۸). نظریه‌های مدرن در جامعه‌شناسی: از پارسونز تا هابرماس. (م. مهاجر، مترجم). تهران: انتشارات سروش.

۸. گیدنز، آ. (۱۳۸۸). *پیامدهای مدرنیته*. (م. ثلاثی، مترجم). تهران: نشرمرکز.
۹. لیندلف، ت.، تیلور، ب. (۱۳۸۸). *روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات*. (ع. گیویان، مترجم). تهران: همشهری.
۱۰. هوفستده، گ. (۱۳۸۷). *فرهنگ و سازمان برنامه‌ریزی ذهن*. (ع. ا. فرهنگی و ا. کاوسی، مترجمان). تهران: انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
11. Adam, J. (2003). *Understanding the psychology of the internet behavior*. New York, NY: Palgrave Macmillan.
12. Andriana, B. (2013). The impact of internet diffusion on marriage rates: Evidence from the broadband market. *Journal of Population Economics*, 28(2), 265-297.
13. Bellou, A. (2015). The impact of Internet diffusion on marriage rates: Evidence from the broadband market. *Journal of Population Economics*, 28(2), 265-297.
14. Doise, W., & Palmonari, A. (1986). *Caractéristique des représentations sociales. Texte de base, l'étude des représentations sociales* [Characteristic of social representations, basic text under consideration social representations]. Paris, France: Delachauxet Niestle.
15. Hardian, R. (1997). Trustworthiness. *Ethics*, 107, 26-42.
16. Herzlich, C. (1970). *Introduction à la psychologie sociale* [Introduction to social psychology]. Paris, France: Maison des sciences de l'homme.
17. King, S. A., & Barak, A. (1999). Compulsive internet gambling: A new form of an old clinical pathology. *CyberPsychology & Behavior*, 2(5), 441° 456.
18. Luz, C. F. (2013). Cyber courtship: Computer matchmaking and trends in online romance. *Synesis: A Journal of Science, Technology, Ethics, and Policy*, 4, 1-4.
19. Mark, B. (2011). How has internet dating changed society? Internet dating executive alliance. Retrieved from [http:// www. onlinepersonalswatch. com/ files/ idea-white-paper-final-review-copy-only-updated-1-19-2.pdf](http://www.onlinepersonalswatch.com/files/idea-white-paper-final-review-copy-only-updated-1-19-2.pdf)
20. Mendoza M. G., & Napoli V. (1990). *Systems of society: An introduction to social science*. Massachusetts, MA: Health.
21. Mollo, S. (1974). *Représentation et images perspectives que se font des deux autres partenaires: les enfants, les parents, les maitres* [Representation and prospects images are the two other partners: Children, parents, teachers]. *Traite des sciences pedagogiques*, 6, 109-120.
22. Moscovici, S. (1989). *Des repre'sentations collectives aux repre'sentations sociales: Ele'mens pour une histoire* [Collective representations to social representations: Elements for a story]. In D. Jodellot, (Ed.), *Les repre'sentations sociales* [The social representations] (79-103). Paris, France: Presses universitaires de France.
23. Rege, A. (2009). What love got to do with it? Exploring online dating scams and identity fraud. *International Journal of Cybercriminology*, 3 (2), 494-512
24. Rege, A. (2009). What's love got to do with it? Exploring online dating scams and identity fraud. *International Journal of Cyber Criminology*, 3(2), 494.
25. Riva, G., & Galimberti, C. (Eds.). (2001). *Towards cyber psychology: Mind, cognition and society in the internet age*. Amsterdam, Netherlands: IOS Press

26. Rosenfeld, M. J., & Reuben, J. T. (2012). Searching for a mate: The rise of the Internet as a social intermediary. *American Sociological Review*, 77(4), 523-547.
27. Rosenfeld, M. J., & Thomas, R. J. (2012). Searching for a mate the rise of the internet as a social intermediary. *American Sociological Review*, 77(4), 523-547.
28. Schmitz, A., Zillmann, D., & Blossfeld, H. P. (2013). Do women pick up lies before men? The association between gender, deception patterns, and detection modes in online dating. *Online Journal of Communication and Media Technologies*, 3(3), 52-73.
29. Schmitz, A., Zillmann, D., & Blossfeld, H. P. (2013). Do women pick up lies before men? The association between gender, deception patterns, and detection modes in online dating. *Online Journal of Communication and Media Technologies*, 3(3), 52.
30. Smith, A., & Duggan, M. (2013). Online dating & relationships. Pew Internet & American Life Project. Pew Search Center.
31. Smith, A., & Duggan, M. (2013). Online dating and relationships. Pew Research Center sInternet & American Life Project ,1615 L St., N.W., Suite 700 Washington, D.C. 20036.
32. Tresolini Fiore, A. R. (2002). Romantic regressions: An analysis of behavior in online dating systems (Unpublished master s thesis). The Massachusetts Institute of Technology, Massachusetts, MA.
33. Wagner, J. A., & Moch, K. M. (1986). Individualism-collectivism: Concept and measure. *Group Organization Management*, 11(3), 280-304.
34. Wallace, R. A., & Wolf, A. (1999). Contemporary sociological theory: Expanding the classical tradition. New Jersey, NJ: Prentice Hall.
35. Wang, H., & Lu, X. A. (2007). Cyberdating: Misinformation and (dis)trust in online interaction. *Informing Science Journal*, 10, 1-15.